

۵۲۲۹

SVENSK PÅLÅNDELSE



ترانه جان غمخیز محبوب را قربان
 از وصول نامه است نهایت خوشگوار شدیم اتفاقاً
 موقف نامه است و دریافت کردم که کس است دانشم در اطراف آن معقول است و خواستن بودم
 کس که جویم نامه شماره این داد از خواندن نامه مهر نامه است بسیار خوشند شدم در آن پس فرودم که واد کینه رفیق
 بدیع با بیان معرفت کردم بجز آن رفیق شجاع با او شورا نیست بسیار شرف میبرد و فی الواقع از این بودم هم رفیق شجاع
 در هر ما از دیدارت مخطوط میسازم خلد همه استیاد کردی

فرستاده بودی که در نبود بدیع بیکار نیستی ترانه جان من از پشتکار و جدیت با فهم لازم به توضیح نیست
 اندک دارم مکتب فعال و مرفوع باشی اما سفارش میکنم که نوشته است بر ابا زکریا چون شماره احوال
 ساله تو است آن زبان گویای زنده گشته و فک اندیشه ترقیات در دست نگار امروزه در دست
 بطوریکه قبلتند که اندک از در در استخوان بسیار بچ میم مطابقت تجزیه و توضیح معانی من قسم دارم که این
 بنقطه ای که سیر مسافت کنم فیه جار نظر دارم حالاً با خود معدوم نیست اول بسیار فراهم رفت فرودم که
 مضطرب و نشاء میبرد نظیر با بیان رفیق و راهشان ندارند اما نامه استم در باره دو نفر اول رفیق اند
 بطوریکه سفر ایران در شورش قول داد که بعد از مراجعت به سرودند نامه با سبورت (افزوده) فراید را در ایران
 بودند در ایامی که ترانه جان بود در فرمای رفت اگر فیما بین من شما هم بیایم ما را فراموش نکن آدم
 با خودت سیر که گاهی اوقات با یکدیگر با یکدیگر هم میمانم که فرودم فرمای رفت در نامه بر رفیق بدیع
 از نامه زبیر برسان از زنده سلامت مهم و صورت بدیعت را در کس و بزرگوار

از طرف من و صفا سلام برسان گیتی با نهایت فکر از او رفیق سلام از رفیق برسان
 کباری بنام صفا زبیر سلام دارد میگوید بودی با این فرمای رفت نداشت بنام صفا زبیر

۱۹ آبان ۱۹۸۰